



دانشگاه پیام نور
په

رشد از دیدگاه قرآن و روان‌شناسان

(رشته علوم تربیتی)

دکتر حمیدرضا حاجی بابایی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

هفت	پیشگفتار
نه	مقدمه
۱	فصل اول: بحث لغوی رشد
۷	تاریخچه رشد
۹	فصل دوم: رشد در قرآن
۹	تعریف رشد در قرآن
۱۰	اصول و ویژگی‌های رشد
۲۹	محور رشد
۳۰	عناوین قرآنی مترادف، موازی و مقابل رشد
۳۰	مترادف
۳۱	موازی
۳۵	مراحل هفت‌گانه خلقت انسان
۴۲	مقابل
۴۳	مراحل رشد
۴۷	فصل سوم: روش‌های مطلوب رشد
۴۸	اهم شیوه‌های قرآنی در زمینه رشد
۴۸	۱. روش پرسش و پاسخ
۵۱	۲. شیوه‌های نمایشی
۵۴	۳. شیوه سخنرانی
۵۸	۴. شیوه داستان‌گویی
۶۱	جنبه‌های آموزنده این داستان
۶۲	۵. روش سمعی و بصری از طریقهٔ ارائه الگو
۶۶	درس‌های این داستان
۶۷	امثال و رشد (روش تمثیلی)
۶۸	روش گردش علمی (بررسی آیات انفسی و آفاقی)

فصل چهارم: عوامل و موانع رشد
عوامل رشد در قرآن

۷۱
۷۱

فصل پنجم: رشد از دیدگاه روان‌شناسان

۹۳

۹۵

۹۵

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۱

۱۰۳

۱۰۵

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۵

۱۱۷

۱۱۸

۱۲۲

۱۳۰

۱۳۲

موضوع روان‌شناسی رشد

اصول و ویژگی‌های رشد

فایده شناخت اصول و مراحل رشد

چگونگی رشد

انواع رشد

جهات رشد

اهداف و علل ضرورت مطالعه «رشد و تکامل آدمی»

روش‌های مطالعه رشد

علل و عوامل رشد و تکامل

مفهوم تعامل در روان‌شناسی

عوامل مؤثر در رشد و تکامل

تعامل وراثت و محیط

چشم‌اندازی به رشد اخلاقی

استدلال اخلاقی

رفتار اخلاقی

چگونه باید کودکان را اخلاقی تربیت کرد؟

بهبود یافتن استدلال اخلاقی

مفهوم رشد چیست؟

مردم مراحل رشد را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

مراحل رشد در هنر موسیقی

ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت

رشد از نظر روان‌شناسان دینی

تئوری رشد هفت مرحله‌ای اخلاقی و دینی

مراحل شکل‌گیری رشد دینی

رشد دینی در نوجوانی و جوانی

فصل ششم: سخن آخر

۱۳۷

۱۳۷

۱۴۳

سخن آخر

جدول آیات ویژه مبحث «رشد»

منابع و مآخذ

۱۴۴

تقدیم به شهدای گرانقدر

علی رضا حاجی بابائی

ابوالقاسم حاجی بابائی

حاج عزیز احمدی

اسماعیل شکری موحدی

پیشگفتار

قرآن مجید هدایت‌گری بی‌بدیل است که با بیانی متقن، شیوا و رسا یک دوره کامل جهان‌بینی را منطبق با دقیق‌ترین براهین و ادله عقلی تبیین کرده است. مهم‌ترین بستر و اساسی‌ترین تکیه‌گاه برای سعادت دنیوی و اخروی بشر است. این کلام منزل و ارمغان گران‌سنگ الهی که هیچ رطب و یابس و نکته‌ای را فروگذار نکرده، جامع نیازهای فکری و معارف بشری است، و بر همه فرض است که از دریای بیکران آن به قدر تشنگی، آب حیات بگیرند و از ساحل واقعیت آن دور نشوند و نصیب و حظی هرچه وافرتر حاصل آرند تا قانون اساسی آیین خود را باز شناسد و از پرتو درخشان آن بهره گیرند و اصول فکر صحیح و اخلاق پسندیده و اعمال فردی و اجتماعی، و خلاصه راه و رسم ظاهری و باطنی زندگی را از مکتب فیاضش بیاموزند.

بنابراین، بر همه دانش‌پژوهان و محققان متعهد است، که پرده‌های غفلت و ناآگاهی را از برابر دیدگان انسان‌ها بگیرند و انوار پرفیض و حیات‌بخش الهی را بر مردم عرضه دارند، و با ایجاد تحول در جامعه بشری، آنها را بر عرصه تمدن واقعی راهبر و راهنما شوند.

مبحث «رشد از دیدگاه قرآن و روان‌شناسان» از مباحثی است که در عین اهمیت فراوان آن‌گونه که باید و شاید بدان پرداخته نشده است و از دیرباز نگارنده بر آن بوده که در حد توان و با استفاده از منابع مهم اسلامی و مباحث پژوهشگرانی که در این راستا قلم زده‌اند تحقیقی هر چند مجمل به علاقمندان این مبحث مهم عرضه کند.

مفسران بزرگ و محققان سترگ برآنند که قرآن مجید، هدایت، سعادت، نجات، صلاح، کمال، صراط مستقیم، حق و توحید را محور رشد و راهروان آن را «انسان‌های رشید» می‌داند. اما این مفهوم با آنچه در مکاتب تربیتی و روان‌شناسی دوران‌های مختلف آمده متفاوت است، زیرا این مکاتب، رشد را بیشتر از جنبه‌های جسمانی - حرکتی، عقلانی - ذهنی، روانی - عاطفی و اجتماعی - اخلاقی مورد بحث و مذاقه قرار داده و کمتر به ابعاد معنوی و استعدادهای نهفته و بالقوه در فطرت انسان که اکرم و اشرف مخلوقات است پرداخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است مفاهیم لغوی و اصطلاحی، تاریخچه، مراحل ۷، علل و عوامل، موانع، انواع، و... رشد با بهره‌گیری از کلام‌الله مجید و دیگر منابع مهم اسلامی و سایر مکاتب اجتماعی و روان‌شناختی تشریح و تبیین شود.

امید است این تلاش مختصر و خدمت علمی محدود، در راستای تبیین یکی از موضوعات مهم، مفصل و نامحدود کتاب آسمانی اسلام مقبول درگاه ایزدمنان قرار گیرد، و راهگشای تحقیقات و پژوهش‌های گسترده بعدی شود.

در خاتمه لازم می‌داند از همراهی و مساعدت‌های بزرگواران ذیل که در مراحل مختلف به‌گونه‌ای یاری رساندند قدردانی به‌عمل آید. جناب آقای دکتر محمد حسن تبرائیان (از ارشادشان)، جناب آقای دکتر سرمدی، جناب آقای دکتر سیدمحمد میردامادی و سرکار خانم محمدی، همچنین از زحمات کارشناسان محترم گروه علوم تربیتی و مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی و انتشارات دانشگاه پیام‌نور کمال امتنان را دارم.

"آمین یا رب العالمین."

دکتر حمیدرضا حاجی بابایی

قرآن آرامش بخش قلب‌ها

مقدمه

قرآن نوری است که چراغ‌های فروزان آن خاموش نمی‌شود؛ و چراغی است که شعله ملتهب آن فرو نمی‌نشیند؛ و دریایی است که قعر و ژرفای آن یافته نمی‌شود؛ و راه راستی است که در پیمودن آن گمراهی پیدا نمی‌گردد؛ و شعاعی است که پرتو رخشان آن به تاریکی نمی‌گراید؛ و جداکننده‌ای است میان حق و باطل، که برهان ساطع و حجت استوار آن فروکش نمی‌نماید؛ و بنا و اساسی است که ارکان آن ویران نمی‌گردد، و شفایی است که از بیماری‌های پی درآمد آن بیم و هراس به دل نمی‌رسد و عزیزی است که یاران و یاوران آن شکست نمی‌پذیرند و حقی است که یاری‌کنندگان و انصار آن به هزیمت نمی‌روند. بنابراین قرآن معدن ایمان است و میانه و درون حقیقی آن، چشمه‌های جوشان علم و عرفان است و دریاهای خروشان معارف آن، باغ‌ها و بستان‌های عدل و داد است و آب‌های زلال مجتمع و سرشار در آن و دیگ پایه‌های اطعمه اسلام است و اصل و اساس آن وادی گسترده و پهناور صدق و حق است و زمین‌های وسیع و فراخ آن، دریایی است که آنچه آب‌کشندگان و آب‌برداران از آن مصرف کنند، آن را تهی نمی‌کنند و چشمه‌هایی است که آنچه آب‌گیران و آب‌برندگان آن بردارند، آن را کم نمی‌گردانند و آب‌شخورهایی است که آنچه فروروندگان در آن از آن آب برگیرند، آن را فرو نمی‌نشانند و منزلگاه‌هایی است که آنچه مسافران در راه روشن و طریق هویدای آن سیر کنند، گم نمی‌شوند و نشانه‌هایی است که روندگان و سیرکنندگان در راه خود از آن پوشیده و نادیده نمی‌گردند و تپه‌ها

و مواضع مرتفعی است از جوانب خود، که راهپیمایان و قصدکنندگان نمی‌توانند از آن عبور و تجاوز نمایند.

خداوند قرآن را سیرابی برای تشنگی و عطش علماء قرار داد؛ و بهار پرگیاہ برای دل‌های فقهاء و راه‌ها و طریق‌های هویدا برای پیمودن راه صلحاء.

قرآن دارویی است که پس از استفاده از آن دردی باقی نمی‌ماند و نوری است که با آن ظلمتی نیست، و ریسمانی است که محکم است گره آن، و پناهگاهی است که از دسترس دور است بلندی آن و عزت است برای آنکه در تحت ولایت آن درآید و آن را ولی و مولا و صاحب اختیار و سرپرست و پاسدار خود بداند.

خداوند این کتاب را چنین تعریف می‌کند «...و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۱

[... ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است..]

قرآن عامل سلامت است برای کسی که در آن داخل شود و هدایت است برای آنکه بدان اقتدا نماید و مایه عذر است برای آنکه خود را بدان انتساب دهد و برهان و حجت است برای آنکه بدان سخن گوید و شاهد و گواه است برای آنکه در مقام منازعه و مخاصمه بدان تمسک جوید، و ظفر و پیروزی است برای آنکه بدان احتجاج کند و استدلال نماید. و متعهد به صلاح و اصلاح است برای آنکه احکام آن را به‌کار بندد و مضمونش را بر عهده گیرد و همچون شتر راهوار و بارکشی است برای آنکه با سواری خود و حمل اثقال و اسباب خود بر آن بخواهد به سر منزل مقصود واصل گردد و آیه و نشانه و علامت است برای آنکه خود را بدان نشانه زند و سپر است برای آنکه با پوشیدن آن، لباس جنگ و زره در تن نماید و دانش و درایت است برای آنکه آن را حفظ کند و به گوش جان خود بگیرد و حدیث و گفتار است برای آنکه آن را نقل نماید و روایت کند و حکم است برای آنکه با آن قضاوت نماید.^۲

باری برنامه قرآن بهترین برنامه‌ها برای وصول به بهترین آیین‌هاست.

۱. سورة نحل، آیه ۸۹

۲. برگرفته از گفتار امیرمؤمنان (ع) در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه.

امروز که قرآن به صورت یک کتاب در دست ماست، در آن نشانه‌های عجیبی دیده می‌شود که می‌تواند ایمان ما را به معجزه بودن قرآن بیشتر کند.

قرآن کتاب علم و اندیشه است و آیاتش براساس خردمندی پایه‌گذاری شده و تفصیل و شرح داده شده است و معلوم است هر کتابی که براساس علم و یقین باشد، جهل و شک و فرضیه‌های غیرقائم بر محور علم و برهان و تئوری‌های غیرمتکی به حق و یقین و اصالت غیرقابل زوال، بر آن راه ندارد.

انسان دارای طبیعت و سرشت مادی و جسمانی، و دارای سرشت معنوی و روحانی است، و باید قابلیت انسان در اثر مرور، و تدریج زمان عمر، به واسطه حرکت جوهریه، به تمام و کمال، بلکه اکمل خود برسد، و انسان کامل گردد، و به درجه فعلیت محض ارتقاء یابد. و این امر صورت نمی‌گیرد مگر در سایه درک دقیق ویژگی‌های انسان از منظر قرآن که هم می‌شناساند و هم رهنمود می‌دهد که چگونه موجبات رشد این موجود گران قدر فراهم شود، رشدی که رسیدن انسان را به کمال تضمین نماید.

خداوند عزّ و جل در قرآن مجید ۱۹ بار به این واژه و مفهوم آن به شرح زیر اشاره می‌فرماید:

۱. «قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نُشْرِكْ بِرَبِّنَا أَحَدًا» * «جن ۱-۲۰»

* بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند، سپس گفته‌اند:

«ما قرآن را شگفت‌انگیز شنیده‌ایم»

* به راه راست هدایت می‌کند، پس ما به آن ایمان آورده‌ایم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نمی‌دهیم

۲. «وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَمْ لَكُمْ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمَّ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا» * «جن ۱۰»

* و اینکه ما نمی‌دانیم آیا اراده شری درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را

هدایت کند؟!۱

۳. «وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنَ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» * «جن ۱۴»

* و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است.

۴. «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا» * «جن ۲۱»

* بگو: ((من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم))

۵. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» «۷ حجرات»

* و بدانید رسول خدا در میان شماست؛ هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و (بالعکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافته‌گанд.

۶. «يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» «۲۹ غافر (مؤمن)»

* ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروید؛ اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟! فرعون گفت: ((من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنم (دستور همان قتل موسی است.))

۷. «وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» «۳۸ غافر»
* کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: ((ای قوم! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم.))

۸. «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» «۵۱ انبیاء»
* ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم.

۹. «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» «۱۰ کهف»
* زمانی را (به‌خاطر بیاور) که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز

۱۰. «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًا مُرْتَدًّا» «۱۷ کهف»

* و (در آن شرایط اصحاب کهف) خورشید را می‌بینی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست. هر کس را خدا هدایت کند، هدایت‌یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت.

۱۱. «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» «کهف ۲۳-۲۴»

* و هرگز در مورد کاری نگوی: ((من فردا آن را انجام می‌دهم)). مگر اینکه خدا بخواهد. و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن و) پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو ((شاید پروردگارم مرا به راهی روشن‌تر از این هدایت کند)).

۱۲. « قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا » ۶۶ كهف "

* موسی به او گفت: ((آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟!))

۱۳. « وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَبِمَنْ قَتَلُوا يَغْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ » ۷۸ هود "

* قوم او (به مقصد مزاحمت میهمانان) به‌سرعت به سراغ او آمدند و قبلاً کارهای بد انجام می‌دادند، گفت: ((ای قوم من ! اینها دختران من هستند؛ برای شما پاکیزه‌ترند؛ (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم‌پوشید.) از خدا بترسید؛ و مرا درمورد میهمانانم رسوا نسازید؛ آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!)

۱۴. « قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَانِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ » ۸۷ هود "

* گفتند: ((ای شعیب ! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!))

۱۵. « اِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمَرَ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ » ۹۷ هود "

* به سوی فرعون و اطرافیان؛ اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ درحالی‌که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود.

۱۶. « سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ » ۱۴۶ اعراف "

* به‌زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم. آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را انتخاب می‌کنند. (همه اینها) به‌خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند.

۱۷. « وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلَيْسَ تَعْفَىٰ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا » ۶ نساء "

* و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید؛ اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید. و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید. هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق‌الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به‌طور شایسته (و مطابق) زحمتی که می‌کشد) از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها باز می‌گردانید، شاهد بگیرید؛ (اگرچه) خداوند برای محاسبه کافی است.

۱۸. « وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ » ۱۸۶ بقره "

* و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم؛ دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند. (و به مقصد برسند)

۱۹. « لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » ۲۵۶ بقره "

* در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.

کلمه رشد، در کتب لغت بیشتر به معنای هدایت‌داشتن، راه راست‌یافتن، صلاح و خیر و کمال، پایداری و مقاومت در طریق حق، رشدونموکردن، بالیدن مقابل گمراهی و ضلالت ترجمه شده است. در قرآن کریم این کلمه گاهی در مقابل کلمه «غی» به معنای گمراه‌شدن و گاهی در مقابل کلمه «ضر» به معنای خسران و گاهی در مقابل کلمه «شر» به معنای بدی و ناشایستگی آمده است.

می‌توان گفت رشد از دیدگاه قرآن عبارت از یک نوع قدرت تشخیص مسئولیت‌آفرین و تعهدآور است. چنانچه درباره یتیمان می‌فرماید: وقتی آنان را صاحب رشد دیدید، اموالشان را به آنها بدهید و جالب اینجاست که این مسئله را بعد از بلوغ جنسی آنان یعنی: رسیدنشان به مرحله توانایی نکاح بیان می‌کند. یعنی قرآن

می‌خواهد بفهماند که برخلاف استنباط غلط و رایج بعضی‌ها که می‌گویند رشد همان بلوغ جنسی است، رشد عبارت است از همین قدرت تشخیص و تمیز مسئولیت‌آفرین در بهره‌برداری از امکانات و استعدادها، یعنی مرحله‌ای از کمال عقلی. اگر رشد و بلوغ جنسی به یک مفهوم بودند بیان آن دو در کنار یکدیگر در قرآن کریم نه تنها غیرضروری بلکه مغایر با بلاغت و فصاحت قرآن کریم بود.

با چنین برداشتی، آیه دیگر قرآن کریم که «رشد» را در مقابل «ضرر» قرار می‌دهد تفسیر می‌شود. زیرا انسان وقتی از سرمایه‌های خود ضرر می‌بیند که قدرت تشخیص اهمیت و بهای آن سرمایه‌ها را نداشته باشد.

با توجه به معنای رشد، ضرورت انسان‌شناسی که اغلب برنامه‌های اخلاقی مکاتب مختلف، برای سعادت او پی‌ریزی شده است به‌خودی خود روشن می‌شود. زیرا برای پروراندن استعدادهای انسان باید دید که اولاً چه استعدادهایی در او نهاده شده است. از طرفی دیگر چون انسان موجودی است که فطرتاً دارای حب ذات می‌باشد بدیهی است که به‌خود می‌پردازد و در راه رسیدن به کمال نهایی خویش قدم برمی‌دارد و اساساً تمام تلاش‌های بشری اعم از علمی و عملی برای تامین لذایت و منافع و مصالح انسان انجام می‌گیرد. پس شناختن خود انسان و آغاز و انجام او همچنین کمالاتی که ممکن است به آنها نائل گردد مقدم بر همه مسائل، بلکه بدون شناختن انسان و ارزش واقعی او سایر بحث‌ها و تلاش‌ها بیهوده است.

در تصویری که قرآن از انسان دارد او را موجودی دو بعدی می‌داند که در او هم غرائز حیوانی وجود دارد و هم کمالات عالی اخلاقی، که به‌صورت بالقوه در او نهفته است. هرکدام از این دو نیروی متضاد همیشه در کشمکش می‌باشند و این انسان است که آزاد آفریده شده که هر کدام از آنها را به‌طور دلخواه انتخاب نماید و بدین‌وسیله خداوند او را آزمایش می‌کند.

اگر بپذیریم که هدف یا یکی از اهداف بعثت پیامبر خاتم (ص) تتمیم مکارم اخلاقی بوده است که با استناد به حدیث «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» به راستی

مبعوث شده‌ام که مکارم اخلاقی را کامل گردانم، باید اعتراف نمایم که کتاب خدا، قرآن، نیز به‌همین منظور به آن بزرگوار نازل گردیده است. بنابراین آنچه که بیشتر مورد نیاز بوده و به هدف نزول قرآن کریم نزدیک‌تر می‌باشد. این است که مفاهیم اخلاقی قرآن کریم همین نکته را با خود دارد و در این نوشتار با عنوان رشد به آن پرداخته می‌شود که به توفیق خدا گامی است در راه احیاء معارف حقّه الهی.

فصل اول

«بحث لغوی رشد»

بحث لغوی رشد

«رشد» واژه‌ای است که در جوامع گوناگون و در موارد مختلف به کار برده می‌شود و هرکس با توجه به قصد و هدف خود معنی خاصی را از آن برداشت می‌کند.

واژه «رشد» «رَشَدَ - يَرْشُدُ» در معنی واژگان هدایت، ترقی، ایستادگی به کار می‌رود. بر وزن «فَعَلَ - يَفْعَلُ» و «فَعِلَ - يَفْعَلُ» مانند «رَشَدَ - يَرْشُدُ» و «رَشِدَ - يَرْشُدُ». «رُشد» و «رَشَدَ» یعنی راهیابی و ثبات در حق، شعور که غالباً در برابر «غَى» یعنی گمراهی است.

چنانکه در فرازهای قرآنی، رشد «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱
«قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَى»^۲ «وَابْتَئِلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا...»^۳
«وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ...»^۴

در همین معنی به کار رفته است، هر چند در دو آیه اخیر میان رشدی که یتیمان به آن می‌رسند و رشدی که خداوند به حضرت ابراهیم عطا کرده است فرق زیادی هست.^۵
و نیز در آیه ۶۶ سوره کهف می‌فرماید: «هَلْ أَتَبَعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا»
یعنی آیا می‌توانم همراهت بیایم تا آنچه از رشد و کمال آموخته‌ای مرا بیاموزی؟
و نیز در آیه ۲۴ کهف می‌فرماید: «لِاقْرَبَ مِنْ هَذَا رُشْدًا».

۱. شاید آنان به سعادت راه یابند. سوره بقره، آیه ۱۸۶

۲. راه هدایت و ضلالت روشن گردید. سوره بقره، آیه ۲۵۶

۳. یتیمان را آزمایش کنید آنگاه اگر آنها را دانا به درک مصالح زندگی یافتید... سوره نساء، آیه ۶

۴. ما (پیش از اینکه جهان را کفر و شرک فرا گرفته بود) ابراهیم را به رشد و کمال خود رسانیدیم. سوره انبیاء، آیه ۵۱

۵. ترجمه مفردات راغب، ج ۲، ص ۱۰۹ و اصل عربی آن ج ۱ ص ۳۵۴

امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر و علومی برتر از این قصه هدایت فرماید. عده‌ای از علماء گفته‌اند «رشد» اخص از «رشد» است، زیرا رشد در امور دنیوی و اخروی است و رشد در امور اخروی است نه چیز دیگر.^۱ راشد و رشید در هر دو مصدر به کار می‌رود. خدای تعالی می‌فرماید: **أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ**^۲

اینان به حقیقت، اهل صواب و هدایت هستند و در مورد رشید فرموده است: **وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ**^۳

هیچ هدایت و رشدی در فرعون نخواهد بود. در قاموس قرآن، ذیل واژه رشد آمده است: ((رشد بر وزن قُطِل و فرس به معنای هدایت، نجات، صلاح، کمال. در مفردات و قاموس قرآن و اقرب‌الموارد هر دو وزن به یک معناست. و فیومی در مصباح، رشد را به معنای صلاح و رسیدن به صواب دانسته است.))^۴

صاحب مجمع‌البیان ذیل آیه: **وَهَيَّيْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا**^۵ نقل کرده است که رشد و نجات هر دو به یک معنی هستند و قاموس قرآن و اقرب‌الموارد آن را هدایت و استقامت در طریق حق گفته‌اند که در قرآن با «غی» و «ضر» و «شر» مقابل هم آمده است:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...»^۶

«قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا»^۷

«وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا»^۸

«رشد» به معنی رشد است «وَمَا أَهْدِيَكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» یعنی هدایت نمی‌کنیم شما را مگر به راه صلاح.^۹

راشد اسم فاعل از رشد است «**أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ**»^{۱۰} و رشید یعنی صاحب رشد «**أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ**»^{۱۱} «وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ»^۱ رشید در این آیه به

۱. مفردات راغب در مورد واژه رشد، ج ۲، ص ۱۰۹

۲. حجرات، آیه ۷

۳. هود، آیه ۹۷

۴. قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۰۱

۵. و بر ما وسیله رشد و هدایت کامل مهیا ساز. سوره کهف، آیه ۱۰. مجمع‌البیان ج ۶ ص ۴۵۳ و قبل معناه دلنا علی امر فیه نجاتنا لان الرشید والنجاه بمعنی

۶. در دین اجباری نیست و خداوند راه هدایت و ضلالت را آشکار گردانید. سوره بقره، آیه ۲۵۶

۷. بگو من برای شما نه ضرری قادرم و نه صلاحی. سوره جن، آیه ۲۱

۸. و ما نمی‌دانیم که برای مردم شری اراده شده، یا پروردگارشان برای آنها صلاحی خواسته. سوره جن، آیه ۱۰

۹. غافر، آیه ۲۹

۱۰. آنها هدایت‌یافته‌گاند. سوره حجرات، آیه ۷

۱۱. آیا در میان شما غافلی نیست؟ سوره هود آیه ۷۸

معنی « مرشد » است. مثل « فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا^۱ » چنانچه در مجمع‌البیان آمده یعنی دستور فرعون نجات‌دهنده نیست و امر فرعون راهبری به خیر ندارد.^۲

در همان تفسیر ذیل آیه « يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ » می‌فرماید: این قرآن دلالت و رهنمونی بر هدایت است و به سوی صلاح دعوت می‌کند.

(رشد ضد ضلالت و گمراهی است) و نیز می‌فرماید « أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا^۳ » یعنی خدا به اهل زمین اراده و اصلاح هدایت نموده است و در رابطه با آیه « فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا^۴ » می‌فرماید یعنی آن گروه توجه به رشد و صلاح کرده و التماس صواب و هدایت نموده و به حق رسیده‌اند و آنها مانند مشرکین نیستند که هوی و خواسته‌های نفسانی و شیطانی آنها را خوانده و از راه هدایت منحرف و خارج شده‌اند.^۵

در تفسیر نمونه ذیل آیه « يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ » آمده است که تعبیر به رشد تعبیر بسیار گسترده و جامعی است که هرگونه امتیازی را دربرمی‌گیرد. راهی است صاف و بدون پیچ و خم، روشن و واضح که پویندگان را به سر منزل سعادت و کمال می‌رساند، و نیز ذیل آیه « وَآنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا^۶ » در مورد شر فاعل را بیان نکرده، اما در مورد رشد و هدایت، فاعل یعنی خدا را بیان نموده است. اشاره به آن است که آنچه از سوی خدا می‌رسد خیر و هدایت است و شر و فساد از خود مردم و سوءاستفاده آنها از نعمت‌های الهی و مواهب آفرینش ناشی می‌شود، گرچه باید در مقابل شر واژه خیر ذکر شود، ولی از آنجا که واژه خیر در اینجا به معنی هدایت بوده روی همین مصداق تکیه شده است.^۷

تفسیرالمیزان در رابطه با معنای رشد می‌نویسد: رشد به معنای رسیدن به واقعیت در هر نظریه است، که خلاف آن یعنی، به خطا رفتن را « غی » می‌گویند و هدایت قرآن به سوی رشد همان دعوت اوست به سوی عقاید حقّه و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند.^۸

۱. هیچ هدایتی در سخن فرعون نیست. سوره هود آیه ۹۷

۲. کسی که خداوند گمراهش کرده برای او هیچ یاری‌کننده و هدایتگری نمی‌یابی، سوره کهف، آیه ۱۷

۳. مجمع‌البیان ج ۵ عربی ۱۳۸۳ انتشارات اسلامیه

۴. همان ج ۲۵، ص ۳۶۸

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۰۳

۶. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۸۵

صاحب تفسیر طبری در ذیل آیه « یَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ » رشد را به معنی راه راست آورده است و آیه مذکور را چنین معنی کرده است « راه می‌نماید به سوی راه راست »^۱ همین معنا را در کشاف زمخشری می‌بینیم که ایشان در ذیل آیه مبارکه « یَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ » می‌فرماید: « يَدْعُو إِلَى الصَّوَابِ » و بعضی گفته‌اند به سوی توحید و ایمان.^۲ استاد مطهری در کتاب تفسیر قرآن ذیل آیه مذکور می‌فرماید:

یعنی انس و جن را به کمال و رشد و سعادتش رهنمون می‌شود.

صاحب لسان العرب ذیل کلمه رُشد گوید: « رشید » از اسماء خداوند تعالی است، او کسی است که انسان‌ها را به مصالحشان ارشاد می‌کند یعنی آنها را هدایت و راهنمایی می‌نماید.^۳

فَعِيل به معنای مُفْعِل و گفته‌شده او کسی است که تدبیرش را به گونه‌ای صحیح به نهایت می‌رساند. (بدون اشاره یا صلاح‌اندیشی کسی).

« الرُّشْد »، « الرُّشْدُ »، « الرُّشَاد » ضد « الغی » هستند و « رَشَدَ الْإِنْسَانُ، يَرشُدُ، رُشْدًا » و « رَشِدَ »، « يَرشُدُ »، « رُشْدًا » و « رَشَادًا » با توجه به آنچه قبلاً بیان شد از این دو حالت خارج نیست.

« ارشید » و « رشید » ضد « ضلال » هستند، اگر به وجه‌الأمر و طریق برسند و اصابت کنند. « آرشدَةُ اللَّهِ » و « آرشدَةُ إِلَى الْأَمْرِ » و « رَشْدَةُ » به معنی « هداه » آمده‌اند و نیز « اسْتَرشَدَهُ » یعنی از او طلب رشد کرد.

و گفته می‌شود: فلانی طلب رشد کرد یعنی طلب هدایت کرد.

و هر دو مصدر به یک معنی و در مقابل « غی » می‌باشند. « ارشاد » یعنی هدایت و راهنمایی کردن. واژه‌الرشدی از رشد مانند غیری از غیرت (زن با غیرت) (مؤنث) به‌کار رفته است. در معنی آیه مبارکه « يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ » آمده است که مؤمن آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت به قوم خود گفت: ای قوم من، مرا اطاعت کنید تا شما را به راه هدف که راه خداست هدایت کنم و از راه فرعون خارج نمایم.

« المرشد یعنی مقاصد ».^۴

۱. تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۹۳۹

۲. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۲۳

۳. همان

۴. لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۵ و ۱۷۶

در کتاب **اقرب الموارد** «رشد» به معنای هدایت یافتن، در کتاب **غیاث اللغات**^۱ از **منتهی الارب** به معنای «به راه شدن»، در کتاب **ترجمان جرجانی** به معنای «راه راست یافتن» آمده است.

صاحب تفسیر البرهان ذیل آیه مبارکه «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا»^۲ می‌گوید: کسانی که به ولایت ما اقرار کردند آنها رشد پیدا کردند، و اما قاسطین (معاویه و اصحاب او) هیزم جهنم هستند.

یعنی راه رشد را راه ولایت ائمه اطهار معرفی نموده و کسانی را که در این راه نیستند به عنوان «ضالین» و گمراهان معرفی نموده است.

و سپس در ذیل آیه مبارکه «لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا» فرموده است یعنی: اگر از ولایت علی (ع) دوری کنید در ضرر هستید و در رشد نیستید.^۳

بنابراین، در رابطه با مصادر سه گانه باید گفت که رُشد و رَشَد و رَشاد هر سه به یک معنا و همه به معنای هدایت و به راه شدن می‌باشند.

أَرَشَدُهُ إِلَى كَذَا، یعنی او را راه نمود و **رَشَدُهُ** نیز به همین معنا آمده است.

و نیز رشد را به معنای استقامت در راه حق و ضد «عَی» گفته است.

«رشید» یعنی دارای رشد و مترادف مهتدی و هادی و راه یافته است.

و مرشد به معنای هدایت کننده آمده است.

الرُّشَادُ والرُّشْدُ، به معنی راستی و پیروی نیز آمده است.^۴ خداوند متعال داستانی

از موسی (ع) در قرآن کریم بازگو فرموده که او به خضر (ع) می‌گفت:^۵

«هَلْ أَتَبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا»

[آیا مرا رخصت می‌دهی که در پی تو آیم، تا رهنمودها و عوامل هدایت، و

واقعیت‌هایی را که آموخته‌ای به من تعلیم دهی؟].

موسی (ع) با چنان تعبیری، به عظمت نعمتی که از راه تعلیم، عاید او گشته، اقرار

نموده است، زیرا او از خضر درخواست نمود، که همان‌گونه با او رفتار کند که خداوند

۱. غیاث اللغات ذیل واژه رشد

۲. جن، آیه ۱۴

۳. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۸۳

۴. المنجد

۵. کهف آیه ۶۶

متعال با خود او رفتار نموده است. در حقیقت طی تعبیر «مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» به خضر گفت شایسته است که احسان تو به من به گونه احسان خداوند نسبت به خودت باشد. یعنی خداوند متعال از طریق تعلیم بر تو مَنّت نهاد و بر تو احسان فرمود: تو نیز همان مَنّت و احسان را درباره من معمول بدار، و به من تعلیم بده.^۱

در اینجا رشد از طریق تعلیم و تربیت حاصل می‌گردد. و آن را نعمتی از طرف پروردگار معرفی می‌نماید که بر بندگان خوب خود عنایت می‌فرماید. و نکته دیگری که قابل ذکر است اتصال رشد به خداوند و ورود عنصر مربی در انتقال رشد و پیروی بدون چون و چرا، از فرد رشد یافته می‌باشد که کاملاً مشهود است.

بنابراین، رشد به معانی: به راه‌شدن، هدایت‌شدن، راه راست‌یافتن، تمییز نیک و بد، استقامت در راه حق، تصلّب در آن، اصابه یا رسیدن به حق، اصلاح و نیز نجات و نجات‌آمده‌است. چنانچه مولوی گوید:^۲

که نگردد سنّت ما از رُشد نیک نیکی را بود، بد راست بد
ور نباشد طفل را گوش رُشد گفت مادر نشنود گنگی شود

«رشد داشتن» به معنی رستگاربودن، و خوشبخت‌شدن

چون زمرده زنده بیرون می‌کشد هر که مرده گشت او دارد رُشد
«رشد یافتن» به معنی نجات پیدا کردن.

هر که او چل گام کوری را کشد گشت آمرزیده و یابد رُشد
«راه رشد» به معنی راه رستگاری.

این بدان سو، آن بدان سو می‌کشد هر کسی گوید منم راه رُشد
«رشد» در برابر «غی»، «ضلالت»، «کفر و شرک»، «ضرر»، «شر» و «خطا رفتن»
از واقع «آمده است».^۳

۱. آداب تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۵۲ و ۳۵۳

۲. فرهنگ دهخدا، ج ۲۹، ص ۴۵۷

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۸